

تأملی بر جایگاه حریم خصوصی در قرآن و روایات اسلامی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۵/۰۲/۱۲، تاریخ تصویب ۱۴۰۵/۰۳/۱۲)

محمد حسن رضایی^۱

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، موسسه آموزش عالی فروردین قائمشهر مازندران، ایران

چکیده

حریم خصوصی یکی از بنیادی ترین حقوق انسانی است که در جهان معاصر به عنوان بخشی از کرامت ذاتی انسان و آزادی فردی شناخته می شود. هرچند این مفهوم در ادبیات حقوقی و سیاسی معاصر به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته، اما آموزه های دینی به ویژه قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم السلام) قرن ها پیش به صورت مبنایی و نظام مند به آن پرداخته اند. در متون قرآنی، اصولی همچون حرمت تجسس، ممنوعیت ورود بدون اذن به منازل، و پاسداشت اسرار افراد به عنوان بنیان های صیانت از حریم خصوصی معرفی شده است. همچنین در روایات معصومان، ضمن تأکید بر کرامت مؤمن، مصادیق دقیق تری از حرمت هتک حیثیت و نقض حریم شخصی افراد بیان شده است. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی - توصیفی و بر اساس منابع اصیل اسلامی، به واکاوی جایگاه حریم خصوصی در قرآن و روایات می پردازد و نشان می دهد که شریعت اسلامی ضمن تأکید بر حقوق فردی، حفظ مصالح اجتماعی را نیز در چارچوب این حق مدنظر قرار داده است. یافته های تحقیق بیانگر آن است که مفهوم حریم خصوصی در منابع دینی، فراتر از بعد فردی، واجد ماهیتی الهی - اخلاقی است که در توازن میان آزادی فردی و نظم اجتماعی معنا پیدا می کند.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، تجسس، قرآن کریم، روایات معصومین (ع)

^۱ Mohamad.hasan.rezaee@gmail.com



مقدمه

حریم خصوصی به عنوان یکی از اساسی ترین حقوق بشری، جایگاهی محوری در تأمین کرامت و تمامیت مادی و معنوی انسان دارد. این حق، ریشه در فطرت انسانی داشته و بستری ضروری برای رشد فردی، تعالی شخصیت و صیانت از هویت انسانی فراهم می آورد. در اسناد بین المللی حقوق بشر، قوانین ملی کشورها و همچنین در متون اسلامی، بر لزوم احترام به حریم خصوصی و ممنوعیت هرگونه تعرض به آن تأکید شده است. در نظام دینی اسلام، این مفهوم نه تنها به عنوان یک ارزش اخلاقی بلکه به عنوان یک الزام شرعی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم و روایات معتبر اسلامی، ضمن تعیین حدود و چارچوب های رفتاری، به روشنی به ضرورت حفظ حریم فردی، خانوادگی و اجتماعی تأکید کرده اند و نقض آن را عملی ناپسند و گاه مستوجب مجازات دانسته اند. آیات متعددی مانند نهی از سوءظن، تحسس و تجسس، و الزام به گرفتن اجازه پیش از ورود به منازل دیگران، به صراحت بیانگر اهمیت این مسئله است. همچنین، روایات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) با ذکر نمونه های عملی و پیش بینی پیامدهای دنیوی و اخروی برای متجاوزان، نشان می دهند که اسلام حفظ حریم خصوصی را به عنوان یکی از ابزارهای تقویت عدالت، اعتماد اجتماعی و امنیت اخلاقی جامعه تلقی می کند. هدف این مقاله، بررسی و تحلیل آموزه های قرآنی و روایی مرتبط با حریم خصوصی است تا ضمن روشن ساختن مبانی شرعی و اخلاقی آن، جایگاه این مفهوم در تأمین کرامت انسانی و سلامت اجتماعی تبیین شود. مطالعه این منابع، تصویری جامع از اهمیت حفاظت از اسرار و حقوق فردی ارائه می دهد و نشان می دهد که رعایت حریم خصوصی، از ارکان اساسی زندگی اسلامی محسوب می شود. با این حال، بررسی وضعیت قوانین و عملکرد اجرایی در جوامع اسلامی نشان می دهد که علی رغم وجود مبانی مستحکم دینی، جایگاه عملی این حق به طور شایسته مورد حمایت قرار نگرفته است. یکی از علل این وضعیت، کمبود آگاهی و شناخت کافی از آموزه های دینی در باب حریم خصوصی است. پژوهش حاضر درصدد است با تکیه بر منابع قرآنی و روایی، ابعاد نظری و عملی حریم خصوصی را تبیین



کرده و نشان دهد که این حق نه تنها در بُعد فردی، بلکه در سطح اجتماعی و حکومتی نیز نقش کلیدی در صیانت از آزادی و کرامت انسان ایفا می‌کند.

۱- معنا شناختی حریم خصوصی

مفهوم «حریم» در بستر تاریخی و معرفتی خود از معنای صرفاً لغوی و فقهی، که بیشتر ناظر به منع و حمایت از اموال یا محدوده‌های مکانی بوده، به تدریج در حوزه حقوق بشر جایگاه بنیادینی پیدا کرده است. در لغت، «حریم» اشاره به قلمروی دارد که ورود به آن ممنوع یا مشروط است؛ در فقه نیز همین معنا توسعه یافته و به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که نزدیکی یا تصرف در آن بدون رضایت صاحب حق جایز نیست. این کارکرد در حوزه روابط فردی و اجتماعی، بیشتر جنبه مادی و مکانی داشته است. واژه «حریم» از ریشه (حاء، راء، میم) گرفته شده و با مشتقاتی همچون حرمت، تحریم، حرام و إحرام هم‌ریشه است.^۱ حریم در لغت به معنی «منع» و «حرام کرده شده» آمده و جمع آن حُرْم، «أَحْرُم» و «أَحَارِیم» است.^۲ اهل لغت، معنای اصلی این واژه را «منع» و «بازداشتن» دانسته‌اند که به نوعی مصونیت و قداست اشاره دارد.^۳ حریم در لغت به هر چیز یا فردی که مستلزم حمایت باشد گفته می‌شود و برای دفاع از آن حاضرند بجنگند؛ به همین دلیل، به زنان، خانواده، دوست و مسکن، حریم اطلاق می‌گردد.^۴ معنی دیگر آن، محدوده‌ای است که ورود به آن حرام و ممنوع است و مس یا تصرف در آن (بی‌اجازه مالک) جایز نیست.^۵ زبیدی گفته است: «حریم پیرامون عین است که

^۱ المحيط فی اللغة، ج ۳، ص: ۹۳

^۲ لغت‌نامه، ج ۶، ص ۷۸۱۹؛ فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۹۳۹؛ تاج العروس، ج ۱۶، ص ۱۳۳؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۹؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۳۵۲؛ فرهنگ لاروس، ج ۱، ص ۸۲۳؛ حقوق مدنی، طاهری، ج ۱، ص ۲۹۲.

^۳ معجم مقانیس اللغة، ج ۲، ص: ۴۵

^۴ «بازشناسی نهاد حریم (۱)»، مجله فقه، ش ۴۱، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۳۸؛ کتاب العین، ج ۳، ص ۲۲۲؛ تاج العروس، ج ۱۶، ص ۱۳۵؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۳۵۲؛ فرهنگ لاروس، ج ۱، ص ۸۲۳.

^۵ لغت‌نامه، ج ۶، ص ۷۸۱۹؛ «بازشناسی نهاد حریم (۱)»، مجله فقه، ش ۴۱، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۳۸؛ کتاب العین، ج ۳، ص ۲۲۲؛ تاج العروس، ج ۱۶، ص ۱۳۵.



برای بهره‌برداری از حقوق و منافع آن مورد نیاز است، مانند راه خانه».^۱ واژه «عربی «حریم» از ریشه «حَرُم» به معنای بازداشتن و معانی گوناگون حریم متضمن مفهوم ممنوعیت و محدودیت است. جوهری در تعریف آن می‌گوید: حریم آن چیزی است که هتک آن جایز نیست.^۲ با تأمل در معانی لغوی حریم می‌توان به این نکته رسید که تصرف از سوی غیر مالک در حریم، از منظر عرف و شرع حرام می‌باشد. واژه «حریم ریشه «قرآنی دارد و هشتاد و سه مرتبه در مشتقات مختلف آن و در بیست و پنج سوره قرآن وارد شده است.^۳ مصطفوی لغت قرآنی حریم را اطراف شیء که برای استیفای حق و منافع آن لازم است، تعریف کرده^۴ و صاحب «مجمع البیان» اطراف چاه را که دیگران از ورود به آن ممنوعند، حریم آن می‌داند.^۵ از کلمات قرآنی که نزدیک به معنی حریم است، «حِجْر» به معنی ممنوعیت از تصرف در ملک و مال یا ورود به آن می‌باشد.^۶ بر اساس تحلیل‌های لغوی، «حریم» در سه کاربرد نزدیک به هم به کار می‌رود: نخست، «آنچه نباید مورد هتک و تعرض قرار گیرد»^۷؛ دوم، «آنچه تحت حمایت و صیانت است»^۸؛ و سوم، «قلمرویی که تماس یا ورود به آن ممنوع شمرده می‌شود»^۹.

می‌شود».^۹

در اصطلاح فقهی نیز «حریم» به معنای منع به کار می‌رود و به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که نزدیک شدن یا تصرف در آن برای غیر صاحب حق مجاز نیست؛ مانند حریم املاک یا چاه‌ها

^۱ تاج العروس، ج ۱۶، ص ۱۳۵؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۳۵۲؛ فرهنگ لاروس، ج ۱، ص ۸۲۳.

^۲ الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۹۵.

^۳ المعجم المفهرس لألفاظ القرآن کریم، ص ۱۸۸.

^۴ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۲۰۳.

^۵ مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۳۶.

^۶ المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۲۰؛ الأمثل، ج ۱۶، ص ۵۱۶.

^۷ تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۶، ص: ۱۳۵.

^۸ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص: ۱۳۳.

^۹ المحيط فی اللغة، ج ۳، ص: ۹۳؛ کتاب العین، ج ۳، ص: ۲۲۲.



که در متون فقهی مورد بحث قرار گرفته است.^۱ شیخ طوسی در باره "حریم می‌نویسد: «کسی که زمینی را احیا می‌کند، پیرامون آن را نیز که مصالح و منافع زمین جز با آن به دست نمی‌آید، مالک می‌شود.»^۲ برای نخستین بار علامه حلی تعریف مقبولی از حریم ارائه داده است: حریم اشاره به مکان‌های نزدیکی دارد که برای کمال انتفاع - از ملک معمور - نیاز به آن‌ها می‌باشد، مثل جاده‌ها، محل جاری شدن آب، محل ریختن خاک و مانند آن.^۳ محقق ثانی می‌نویسد: کسی که زمینی را آباد می‌کند، حریم آن را نیز مالک می‌شود؛ چرا که پیرامون آن زمین است و انتفاع کامل از زمین به آن بستگی دارد.^۴ نجفی می‌گوید: حریم هر چیزی، آن آن مقداری است که می‌توان از آن انتفاع برد.^۵ امام خمینی در باب حریم می‌نویسد: «وقتی کسی زمین مواتی را برای احداث خانه، باغ و مزرعه و امثال آن‌ها احیا کند، مقداری از زمین‌های اطراف آن، یعنی مقداری که بهره‌برداری کامل از زمین احیا شده، عرفاً و عادتاً بدان بستگی دارد، از لحاظ حکم شرعی از ملک احیا شده تبعیت می‌کند و این مقدار از زمین‌های اطراف را حریم می‌نامند.»^۶ اما در حقوق مدرن، به‌ویژه پس از جنگ‌های جهانی و گسترش دغدغه‌های کرامت انسانی، «حریم» از یک مفهوم مکانی و مادی فراتر رفته و به یک حق ذاتی و غیرقابل سلب تبدیل شده است که ابعاد گوناگون زندگی انسان از جسم، اطلاعات، ارتباطات و مکان را دربر می‌گیرد. این تحول به‌وضوح در اسناد بین‌المللی نظیر ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) قابل مشاهده است که تعرض به حریم خصوصی را منع و حمایت از آن را تکلیف دولت‌ها

^۱ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۱

^۲ المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۳، ص ۲۶۹.

^۳ تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۴۱۳؛ منهاج الصالحین، خویی، ج ۲، ص ۱۵۳؛ جامع الأحکام الشرعیة، ص ۴۴۸؛ ماوراء الفقه، ج ۵، ص ۹۸؛ موسوعة الفقه الإسلامی، ج ۹، ص ۴۸۵.

^۴ جامع المقاصد، ج ۷، ص ۲۰؛ إیضاح الفوائد، ج ۲، ص ۲۳۲؛ الوجیز فی الفقه الإسلامی، ج ۲، ص ۳۰۲؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۹؛ منهاج الصالحین، سیستانی، ج ۲، ص ۲۸۵.

^۵ جواهر الکلام، ج ۳۸، ص ۳۴؛ ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۲۲؛ منهاج الصالحین، وحید خراسانی، ج ۳، ص ۱۷۶.

^۶ تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۲۰۲؛ نجاه العباد، ص ۳۴۷؛ منهاج الصالحین، تبریزی، ج ۲، ص ۱۸۸.



دانسته‌اند. در اصطلاح حقوقی، «حریم خصوصی» مفهومی بنیادین یافته است. در تعریف کلی، حریم خصوصی آن بخشی از زندگی هر فرد است که وی در آن از آزادی در برابر مداخله و بازخواست حقوقی برخوردار بوده و تصمیم‌گیری، اطلاع، ورود یا نظارت بر آن منحصرأ در اختیار خود اوست؛ بنابراین، هرگونه مداخله یا دسترسی دیگران بدون اذن فرد، نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود. این تعریف که حاصل بررسی‌ها و نقادای‌های مختلف اندیشمندان در حوزه‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی است، اخیراً توسط برخی صاحب‌نظران به عنوان تعریف جامع پذیرفته شده است.^۱ بنابراین، می‌توان گفت که تحول مفهوم «حریم» از ریشه لغوی و فقهی به مفهوم حقوقی و بشری، نوعی توسعه معنایی و محتوایی است که با حفظ جوهره اصلی یعنی «منع تعرض» و «صیانت از کرامت»، به قلمروهای گسترده‌تر زندگی انسان تعمیم یافته است. این تطور سبب شده که امروز حریم خصوصی، هم در نظام بین‌المللی حقوق بشر و هم در فقه اسلامی، به عنوان یک حق بنیادی شناخته شود که پاسداری از آن شرط لازم برای حفظ آزادی، کرامت و شخصیت انسانی است. عناصر و مؤلفه‌های اساسی حریم خصوصی را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: «خصوصی بودن»، «آزادی از محدودیت‌های حقوقی»، «استقلال انحصاری در تصمیم‌گیری»، «ممنوعیت مداخله و نظارت دیگران»، و «محرمانه بودن و عدم جواز ورود یا اطلاع بدون اجازه». این عناصر در چهار حوزه کلی تقسیم‌بندی می‌شوند: حریم اطلاعاتی (مانند داده‌ها و اسرار شخصی)،^۲ حریم ارتباطاتی (مانند مکاتبات و مکالمات خصوصی)،^۳ حریم جسمانی (مانند کنترل بر بدن و حریم جنسی)^۴ و حریم مکانی (مانند خانه و محل زندگی).^۵ برخی نیز «حریم جنسی» را به طور مستقل از

۱. اسکندری، مصطفی، «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی»، فصلنامه حکومت اسلامی، ۱۳۸۹، ش ۵۸.

۲. Informarian Privacy

۳. Communioation Privacy

۴. Bodily Privacy

۵. Tervitorial Privacy



مؤلفه‌های یادشده برشمرده‌اند.^۱ پذیرش حق بر حریم خصوصی در واقع پاسخی به یکی از نیازهای فطری و مطالبات همگانی انسان‌هاست که در نهایت به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در اسناد بین‌المللی نیز شناسایی شد. مهم‌ترین سند در این زمینه، ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) است که به صراحت تعرض به حریم خصوصی افراد را ممنوع دانسته و دولت‌ها را به حمایت قانونی از آن ملزم کرده است و گفته شده احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد. در عین حال، آموزه‌های اسلامی نیز هم‌زمان با این روند جهانی، جایگاه ویژه‌ای برای حریم خصوصی قائل شده‌اند. آیات قرآن کریم همچون «وَلَا تَجَسَّسُوا»^۲ و «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا»^۳ بر منع تجسس و لزوم کسب اجازه برای ورود به خانه‌ها تأکید دارند. روایات معصومین (ع) نیز به‌طور گسترده حرمت نقض حریم دیگران را گوشزد کرده‌اند. این مبانی نشان می‌دهد که اسلام با رویکردی جامع و پیش‌دستانه، نه تنها به بُعد مکانی حریم خصوصی، بلکه به حیثیت، آبرو، ارتباطات و خلوت انسان‌ها توجه داشته است.

۱- قلمرو حریم خصوصی در قرآن و روایات

یکی از بنیادی‌ترین عرصه‌های حریم خصوصی، حوزه اندیشه و باورهای درونی انسان است. عقیده بخش اصلی شخصیت آدمی را شکل می‌دهد و رفتار او را جهت می‌بخشد. با وجود اتمام ویژه خداوند به هدایت بشر، در آیات قرآن به صراحت بیان شده که ایمان باید بر پایه اختیار باشد و اجبار در آن راهی ندارد؛ چنان که می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ

^۱ قنوتی، جلیل و دیگران، «میان کنش قاعده لاضرر و حریم خصوصی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، تابستان ۱۳۹۳، ش ۲.

^۲ حجرات: ۱۲

^۳ نور: ۲۷



كُلُّهُمْ جَمِيعًا؛ اگر پروردگار تو می خواست، همه کسانی که در زمین هستند ایمان می آوردند.^۱ همچنین در آیه ای دیگر تأکید می شود: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ؛ بگو: حق از سوی پروردگار شماست، پس هر کس خواهد ایمان آورد و هر کس خواهد کفر ورزد».^۲ بر این اساس، کاوش و تفتیش در باورهای درونی افراد نه در شریعت اسلامی و نه در نظام های حقوقی معاصر پذیرفته نیست و عقیده به عنوان بخشی از حریم شخصی مصون از تعرض شناخته می شود. البته باید میان «داشتن عقیده» و «اظهار و نشر آن» تفاوت قائل شد؛ چراکه حوزه خصوصی شامل صرف باور فرد است،^۳ اما وقتی عقیده ای به عرصه عمومی آورده شود، تابع قواعد و محدودیت های اجتماعی خواهد بود. از این رو، نشر اندیشه های باطل که به حقوق دیگران آسیب می زند، از دیدگاه شریعت اسلامی مجاز نیست. دیگر مصداق روشن حریم خصوصی، فضای مسکونی و محل سکونت افراد است. منزل نه تنها محل استراحت و انجام امور شخصی، بلکه عرصه خلوت فردی و خانوادگی است که ورود به آن بدون اجازه، تجاوز به حریم خصوصی محسوب می شود. قرآن کریم به صراحت مؤمنان را از ورود بدون اذن به خانه های دیگران نهی می کند و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ * لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! وارد خانه هایی غیر از خانه های خود نشوید مگر آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید» (نور/۲۷-۲۹).

در روایات نیز بر این مصونیت تأکید شده است. امام صادق (ع) بیان می کند که اگر فردی بدون اجازه به خانه دیگری نگاه کند و در اثر دفاع صاحب خانه آسیبی ببیند، خون او هدر

^۱ یونس/۹۹

^۲ کهف/۲۹

^۳ ماهیت و اهمیت حریم خصوصی، ص ۲۰۸-۲۰۶؛



است.^۱ این روایت نشان می‌دهد که حرمت منزل از جایگاه والایی برخوردار بوده و نقض آن حتی می‌تواند مشروعیت دفاع مسلحانه را برای اهل خانه فراهم کند. فقیهان شیعه نیز با استناد به همین متون، هرگونه ورود یا تجسس بدون اذن را ممنوع و دفاع صاحب‌خانه را مشروع دانسته‌اند.^۲ خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی، نه تنها جایگاه عاطفی و اخلاقی ویژه‌ای دارد، بلکه از نظر فقهی و حقوقی نیز دارای حریم اختصاصی است. روابط زوجین و والدین با فرزندان، هرچند بر پایه محبت و مشارکت است، اما این امر به معنای از بین رفتن استقلال فردی اعضا نیست. قرآن و سنت با تأکید بر قواعد اخلاقی و حقوقی، نشان می‌دهند که احترام به مرزهای شخصی در محیط خانواده، تضمین‌کننده سلامت روابط و دوام آن است. بی‌توجهی به این امر، می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از بحران‌های خانوادگی شود. زندگی مشترک هرگز به معنای انحلال شخصیت فردی در دیگری نیست، بلکه هر انسان حتی در بستر خانواده نیازمند محدوده‌ای از استقلال و تصمیم‌گیری است. از بین رفتن این استقلال می‌تواند به وابستگی ناسالم یا به واکنش‌های خشونت‌آمیز و پرخاشگری بینجامد.^۳ بنابراین، حریم خصوصی در خانواده، ضمن تقویت عواطف، مرزهای سالم میان استقلال فردی و پیوند مشترک را مشخص می‌کند.

۱- ورود به حریم خصوصی از منظر قرآن کریم

یکی از مباحث بنیادین در اندیشه دینی و حقوقی، موضوع حریم خصوصی و لزوم صیانت از آن است. قرآن کریم با نگاه اخلاقی و اجتماعی، به اهمیت حفظ حریم خصوصی افراد توجه ویژه دارد از مجموع آیات به‌وضوح برمی‌آید که ورود به حریم خصوصی افراد بدون رضایت آنان، حتی اگر قصد انتقاص نداشته باشد، ممنوع است. این شامل عیوب اخلاقی، خصوصی یا رفتاری افراد می‌شود و تنها مواردی که خود شرع تصریح کرده و اعلام آن برای دفع ضرر یا

^۱ الکافی، ج ۷، ص ۲۹۱.

^۲ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۶۸.

^۳ قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، ص ۴.



اصلاح جامعه مجاز باشد، استثناء محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، حریم خصوصی مؤمنان با احکام شرعی و اخلاقی قرآن به صورت یک اصل غیرقابل تعدی تثبیت شده است.

۳-۱- آیه ۱۲ سوره حجرات

در منابع اسلامی، قرآن کریم با بیان آموزه‌هایی روشن، مرزهای زندگی فردی و اجتماعی را مشخص ساخته و مسلمانان را از ورود به حریم‌های شخصی یکدیگر بازداشته است. آیه ۱۲ سوره حجرات نمونه‌ای بارز از این تأکید است که با نهی از سوءظن، تجسس و غیبت، چارچوبی اخلاقی و حقوقی برای پاسداشت حریم خصوصی ترسیم می‌کند و مؤمنان را از هرگونه تجسس و کنجکاوی نابجا در زندگی دیگران برحذر می‌دارد. در این راستا، خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید، چرا که برخی از آن‌ها گناه است؛ جاسوسی نکنید و غیبت یکدیگر نکنید...»^۱ این آیه نشان می‌دهد که تجسس، بدگمانی و غیبت به هم پیوند خورده و همگی می‌توانند باعث نقض حرمت شخصی و آسیب به کرامت انسانی شوند. افراد با سوءظن یا خصومت نسبت به دیگری، ممکن است به دنبال یافتن شواهدی برای اثبات فرضیات خود باشند؛ یا وارد حریم خصوصی دیگران شوند، یا از اطلاعات و منابع نزدیکان سوءاستفاده کنند. چنین رفتارهایی نه تنها حق فردی را نقض می‌کند، بلکه امنیت اجتماعی و اعتماد متقابل جامعه را نیز تهدید می‌نماید.

آیه با نهی از سوءظن آغاز می‌شود: «اجتنبوا كثيراً من الظن إن بعض الظن إثم». سوءظن نسبت به دیگران غالباً انگیزه‌ای روانی برای نقض مرزهای شخصی آنان است و انسان را به پیگیری اسرار نهان دیگران سوق می‌دهد.^۲ از این رو، قرآن ابتدا اندیشه و ذهن را پالایش می‌کند تا

^۱ حجرات/۱۲

^۲ ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۳، ص ۲۱۷-۲۱۹



رفتارهای تجاوزگرانه شکل نگیرد. در ادامه، از تجسس نهی می‌شود: «ولا تجسسوا». علامه طباطبایی تصریح می‌کند که نهی متوجه خود ظن نیست، بلکه متوجه مقدمات اختیاری آن است؛^۱ یعنی اعمالی همچون جستجوگری، استراق سمع یا پرس‌وجو درباره امور شخصی دیگران. این اعمال، مصادیق روشن نقض حریم خصوصی‌اند، زیرا بر محور دستابی به آنچه افراد مایل به آشکار کردن آن نیستند، شکل می‌گیرند.

این نهی قرآنی محدود به کشف عیوب یا لغزش‌ها نیست، بلکه شامل هرگونه ورود به زندگی نهانی دیگران می‌شود؛^۲ چه موضوع مورد تجسس مثبت و پسندیده باشد و چه منفی. این اطلاق نشان‌دهنده عمومیت اصل پاسداشت حریم خصوصی در نظام ارزشی اسلام است.

مرحله پایانی در این آیه، نهی از غیبت است: «ولا یغتب بعضکم بعضا». غیبت در واقع، انتقال یافته‌های حاصل از تجسس و پرده‌داری به عرصه عمومی است که موجب تخریب آبرو و حیثیت اجتماعی افراد می‌شود. بدین ترتیب، این آیه شریفه با پیوند زدن سوءظن، تجسس و غیبت، چرخه کامل نقض حریم خصوصی را معرفی کرده و مسلمانان را از ورود به این چرخه منع کرده است.

۳-۲- آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور

یکی دیگر از آیات مهم درباره حریم خصوصی، آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور است که با وضع قاعده‌ای روشن، ورود بدون اجازه به منازل دیگران را ممنوع اعلام کرده و ورود به خانه دیگران را منوط به آگاهی و رضایت پیشین صاحبان آن دانسته‌اند. نزول این آیات پاسخی به عرف رایج عصر جاهلی بود که افراد بدون کسب اجازه وارد خانه یکدیگر می‌شدند و در نتیجه، حریم خصوصی اشخاص به آسانی نقض می‌گردید.^۳ گزارش‌های شأن نزول نیز این

^۱ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص: ۴۸۳

^۲ دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۴، ص: ۳۹۳

^۳ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۱۱۹؛ تفسیر جامع، ج ۴، ص: ۴۸۲



موضوع را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که هدف اصلی این دستور، حمایت از زندگی شخصی و صیانت از کرامت انسانی بوده است. قرآن در این آیه به جای واژه «اذن گرفتن» از تعبیر «استیناس» استفاده کرده است. استیناس در زبان عربی به معنای ایجاد آگاهی همراه با آرامش و صمیمیت است.^۱ این گزینش زبانی نشان می‌دهد که درخواست ورود به منزل دیگری باید با لحنی دوستانه و همراه با احترام و سلام صورت گیرد، نه صرفاً به شکل یک اجازه‌خواهی خشک و رسمی. مفسران تصریح کرده‌اند که حتی نگاه به داخل خانه برای بررسی حضور یا عدم حضور صاحبخانه نیز مجاز نیست،^۲ زیرا همین عمل می‌تواند مرزهای حریم خصوصی را در هم بشکند. از منظر مفسران، فرمان قرآنی محدود به وضعیتی خاص نیست، بلکه در همه حال جاری است. به بیان دیگر، چه اهل خانه حضور داشته باشند و چه غایب باشند، هیچ کس حق ورود ندارد مگر آنکه به‌طور صریح اجازه داده شود. علامه طباطبایی با تأکید بر جنبه اخلاقی حکم یادآور می‌شود که چه‌بسا صاحبخانه در وضعیتی قرار داشته باشد که تمایل نداشته باشد کسی او را در آن حالت ببیند. بنابراین، فلسفه حکم، صیانت از پوشیدگی‌ها و پاسداشت احترام انسان‌هاست.^۳

از آیه می‌توان برداشت کرد که معیار اصلی در تشخیص امور خصوصی، اراده و نظر فرد است. آنچه برای یک شخص موضوعی عادی تلقی می‌شود، ممکن است از نظر دیگری کاملاً خصوصی باشد. قرآن با واگذاری این اختیار به خود اهل خانه، به نوعی اصل شخصی بودن حریم خصوصی را تأیید کرده است؛ اصلی که امروزه در حقوق معاصر نیز به عنوان یکی از مبانی حمایت از آزادی‌های فردی شناخته شد. توجه قرآن به نحوه ورود به منازل تنها برای پاسداشت حریم فردی نیست، بلکه پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای دارد. تکرار رفتار احترام‌آمیز و رعایت ادب در برخورد با یکدیگر، زمینه شکل‌گیری اعتماد متقابل و تحکیم روابط

^۱ احکام القرآن، ج ۵، ص: ۱۶۵؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص: ۱۵۳؛ ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص: ۳۰۱

^۲ جلاء الأذهان و جلاء الأخران، ج ۶، ص: ۲۹۶

^۳ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص: ۱۵۳



اجتماعی را فراهم می‌سازد. از این رو در پایان آیه تصریح شده است که این شیوه «برای شما بهتر است»، چرا که هم از نظر فردی امنیت و آرامش ایجاد می‌کند و هم در سطح اجتماعی همبستگی و همدلی را تقویت می‌نماید.

۱- حریم خصوصی در روایات

در کنار آیات قرآن کریم، مجموعه گسترده‌ای از روایات نیز وجود دارد که با صراحت یا به صورت ضمنی بر ضرورت رعایت حریم خصوصی افراد تأکید می‌کند. این روایات، ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را دربر می‌گیرند و نشان‌دهنده اهتمام جدی شارع مقدس نسبت به حفظ حیثیت، آبرو و امنیت روانی مؤمنان هستند. بررسی منابع روایی نشان می‌دهد که ممنوعیت‌هایی چون تجسس و تفتیش در زندگی دیگران، ورود به منزل بدون اجازه، نگاه مخفیانه به داخل خانه‌ها، گوش دادن پنهانی به سخنان مردم، غیبت، و اشاعه عیوب و لغزش‌های پنهان افراد، همگی به‌طور مستقیم در کلمات معصومان (ع) مورد نهی قرار گرفته‌اند. این دسته از آموزه‌ها عملاً مجموعه‌ای از ضمانت‌های اخلاقی و شرعی را برای حمایت از مرزهای زندگی شخصی تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب، روایات اسلامی با ترسیم مجموعه‌ای منسجم از ممنوعیت‌ها، چارچوبی جامع برای صیانت از حریم خصوصی ارائه کرده‌اند. این روایات نشان می‌دهند که پاسداشت زندگی پنهانی افراد، نه یک امر ثانوی، بلکه جزئی از نظام اخلاقی و حقوقی اسلام است که در کنار آیات قرآنی، بنیان‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد.

۴-۱- حرمت تجسس

همانطور که گفته شده یکی از ابعاد مهم حریم خصوصی در نظام حقوقی و اخلاقی اسلام، ممنوعیت تجسس در زندگی دیگران است. آموزه‌های روایی در کنار قرآن کریم نشان می‌دهند که این عمل، افزون بر نقض مرزهای شخصی افراد، پیامدهای اجتماعی خطرناکی همچون تضعیف اعتماد عمومی و فروپاشی سرمایه اجتماعی را به همراه دارد. «تجسس» در لغت به معنای جستجو و تفحص در امور پنهانی افراد است؛ اموری که صاحبانشان علاقه‌مند به



مخفی ماندن آنها هستند.^۱ یکی از ریشه‌های اصلی تجسس، بدگمانی نسبت به دیگران است. فرد بدبین برای اثبات تصورات ذهنی خود به سراغ جمع‌آوری شواهد می‌رود و در این مسیر به حریم خصوصی دیگران نفوذ می‌کند. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «بدترین مردم، بدگمانان‌اند، و بدترین بدگمانان کسانی هستند که تجسس می‌کنند، و از میان تجسس‌کنندگان، پست‌ترین گروه کسانی‌اند که سخنان مردم را منتشر می‌سازند و هتاک می‌کنند».^۲ این روایت به خوبی نشان می‌دهد که تجسس نه تنها معلول سوءظن است، بلکه خود عاملی برای تشدید آن محسوب می‌شود. رواج روحیه تجسس در جامعه، اعتماد عمومی را متزلزل کرده و آرامش روانی افراد را سلب می‌کند. امام صادق (ع) در این باره هشدار می‌دهد: «در امور مردم تفحص مکن، که در این صورت بدون دوست خواهی ماند».^۳ فردی که با تجسس از لغزش‌های دیگران باخبر می‌شود، به طور مستقیم یا غیرمستقیم آن را به دیگران منتقل می‌کند و زمینه گسترش فحشا را فراهم می‌آورد. طبق حدیثی از پیامبر (ص): «هر که لغزش‌های مؤمنان را پیگیری کند، خداوند لغزش‌های او را دنبال می‌کند و او را رسوا می‌سازد، هرچند در درون خانه‌اش باشد».^۴

در منابع روایی، تجسس در ردیف صفاتی چون حسادت، کینه‌توزی و دشمنی قرار گرفته است. در یک روایت از پیامبر اکرم (ص) آمده است که بدگمانی سرچشمه دروغ است و پس از آن، به طور مستقیم تحسس و تجسس را ممنوع دانسته‌اند.^۵ این پیوند نشان می‌دهد که نگاه کردن به زندگی دیگران و کاوش در اسرارشان معمولاً از ذهنیت منفی و سوءظن نشأت می‌گیرد و استمرار آن می‌تواند روابط اجتماعی را به شدت تخریب کند. بر اساس حدیثی دیگر از رسول خدا (ص)، روحیات منفی چون حسد و کینه اگر با تجسس و تحسس همراه

^۱ لغت نامه دهخدا، ذیل واژه «جسس».

^۲ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۴۷، باب ۱۴۱.

^۳ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۳۱، ح ۲۲۳۵.

^۴ الکافی، ج ۲، ص ۳۵۵.

^۵ سنن أبی داوود، ج ۴، ص ۲۸۰.



شود، پیوندهای اجتماعی را سست کرده و وحدت جامعه را از میان می‌برد.^۱ بنابراین تجسس، صرفاً تجاوز به حریم فردی نیست، بلکه تهدیدی مستقیم برای انسجام اجتماعی و اخوت دینی تلقی می‌شود. در روایت معروفی که مرحوم کلینی در کافی نقل کرده، پیامبر(ص) به صراحت بیان می‌کند که کسانی که لغزش‌های مؤمنان را پیگیری می‌کنند، در نهایت خود گرفتار رسوایی الهی خواهند شد.^۲ این نشان می‌دهد که نقض حریم خصوصی دیگران، با نوعی واکنش الهی همراه است؛ به گونه‌ای که نتیجه طبیعی آن، افشای عیوب خود شخص خواهد بود. امام علی(ع) در چندین روایت به صراحت، عیب‌جویی را از زشت‌ترین خصلت‌ها معرفی می‌کند. ایشان هشدار می‌دهند که کسی که به دنبال کشف اسرار دیگران باشد، نه تنها از حمایت الهی محروم خواهد شد^۳ بلکه محبت و دوستی مردم را نیز از دست می‌دهد.^۴ این بُعد اجتماعی روایت اهمیت زیادی دارد، چرا که نشان می‌دهد تجسس به سرعت فرد را در انزوای اجتماعی قرار می‌دهد چنانکه در روایتی امام صادق(ع) خطاب به یکی از یارانش، تأکید شده که انسان نباید در عقاید دیگران به جستجو پردازد، چرا که نتیجه‌ای جز تنهایی و بی‌دوستی ندارد.^۵ این بیان، بُعد روانی و اجتماعی موضوع را روشن می‌کند: جامعه‌ای که در آن افراد به جای اعتماد، همدیگر را مورد کنکاش و تفتیش قرار دهند، به سرعت دچار بحران روابط انسانی و فروپاشی سرمایه اجتماعی می‌شود. این روایات نشان می‌دهد که تجسس در فرهنگ اسلامی یک عمل فردی ساده تلقی نمی‌شود، بلکه خطری است که بنیان‌های اخلاقی، اجتماعی و ایمانی جامعه را تهدید می‌کند. نکته مهم آن است که روایات، تجسس را نه تنها نقض حریم خصوصی بلکه عاملی برای رسوایی شخصی و سلب دوستی و اعتماد عمومی

^۱ صحیح مسلم، ج ۴، صفحه ۱۹۸۵.

^۲ الکافی، ج ۲، ص ۵۵.

^۳ غرر الحکم، ج ۵، ص ۳۷۱، حدیث ۸۷۹۹.

^۴ غرر الحکم، ج ۵، ص ۳۷۱، حدیث ۸۸۰۰.

^۵ بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۵۳.



معرفی کرده‌اند. بدین ترتیب، شارع مقدس با نکوهش شدید این عمل، راه را برای استقرار جامعه‌ای مبتنی بر اعتماد، اخوت و احترام متقابل هموار ساخته است.

۴-۲- ممنوعیت ورود به منزل افراد

یکی از شاخص‌ترین شواهد روایی در زمینه پاسداشت حریم منازل، ماجرای سمره بن جندب است که در منابع روایی شیعه و اهل سنت به تفصیل نقل شده است. بر اساس گزارش‌ها، سمره پس از فروش خانه خود به یکی از انصار، همچنان به بهانه رسیدگی به نخلی که در آن خانه داشت، بی‌اجازه وارد منزل جدید می‌شد. صاحب خانه از این ورودهای مکرر و بی‌موقع آزرده خاطر شد و شکایت نزد پیامبر اکرم (ص) برد. رسول خدا (ص) در ابتدا سمره را به رعایت ادب و گرفتن اجازه از صاحب خانه و خانواده او توصیه کرد، اما او نپذیرفت. حتی زمانی که پیامبر پیشنهاد معاوضه نخل یا اعطای پاداش اخروی در برابر چشم‌پوشی از این حق را مطرح کرد، سمره مخالفت ورزید. نهایتاً پیامبر دستور داد نخل مزبور قطع شود تا زمینه تجاوز به حریم خصوصی آن خانواده از میان برود.^۱ این ماجرا حاوی چند نکته مهم در حوزه حریم خصوصی است: اول آنکه طبق این روایت تاریخی حریم خصوصی بر حقوق مالی تقدم دارد زیرا در حالی که مالکیت بر نخل به صورت شرعی محترم بود، پیامبر (ص) با صدور حکم قلع و قمع، نشان دادند که مالکیت نمی‌تواند جواز نقض حریم خصوصی دیگران را ایجاد نماید. بر این اساس دستور قطع نخل را می‌توان نوعی مجازات تعزیری دانست که پیامبر (ص) برای جلوگیری از تکرار نقض حریم خصوصی وضع نمودند. این امر بیانگر آن است که تعرض به حریم منازل نه تنها حرام شرعی است، بلکه قابلیت برخورد کیفری نیز دارد. روایت نشان می‌دهد که افراد در اعمال حقوق مشروع خود نیز نمی‌توانند به گونه‌ای رفتار کنند که به کرامت و آرامش دیگران آسیب رسانند. از این رو، استفاده از حق مالکیت در صورتی که با تجاوز به حریم خصوصی همراه شود، مصداق بارز «سوء استفاده از حق» خواهد بود. بنابراین

^۱ الکافی، ج ۵، ص ۲۹۲؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۴۷.



بر اساس این روایت، حریم خصوصی منازل نه تنها در کنار سایر حقوق فردی محترم شمرده می‌شود، بلکه در تراحم میان مالکیت و حریم خصوصی، اولویت با پاسداشت حریم خصوصی است. این تقدم نشان می‌دهد که از منظر شریعت، حفظ امنیت روانی و آرامش افراد بر مالکیت مادی ترجیح دارد، و شارع مقدس با جدیت تمام از نقض آن جلوگیری می‌کند.

۴-۳- نگاه کردن بدون اجازه به منزل دیگران

در منابع حدیثی شیعه، روایات فراوانی به مبحث نگاه کردن به درون منازل دیگران بدون اذن صاحب خانه اختصاص یافته که یکی از روایات برجسته در این زمینه چنین بیان می‌کند: «مَنْ أَطْلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ فَنَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ النَّارُ مَعَ الْمُتَأَفِّقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَتَجَسَّسُونَ عَوْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ وَيُبْدِيَ عَوْرَاتِهِ لِلنَّاظِرِينَ فِي الْآخِرَةِ»^۱ هر کس به خانه همسایه سرکشد و به عورت مردی یا موی زنی یا عضوی از بدن او نگاه کند، بر خدا سزاوار است که او را با منافقانی که در دنیا در پی عیوب مردم بودند دوزخ کند، و از دنیا بیرون نمی‌رود تا اینکه خدا او را رسوا سازد، و در آخرت نیز عیوب او را برای مردم آشکار خواهد ساخت. بر اساس این روایت، کسی که بدون اذن، به خانه همسایه نظر اندازد و بر عورت مرد یا مو و اندام زنان آن خانه چشم بدوزد، در زمره منافقان به شمار می‌آید و وعده عذاب اخروی به او داده شده است. قرار دادن این گروه در کنار منافقانی که در پی کشف عورت زنان هستند، شدت جرم و قباح اخلاقی آن را نشان می‌دهد و وعده عذاب الهی دلالت صریح بر تحریم چنین عملی دلالت دارد. این نشان می‌دهد که شارع مقدس، علاوه بر جنبه اجتماعی، برای ایجاد بازدارندگی درونی (وجدان دینی) نیز به تهدید اخروی تمسک جسته است. مجازات تنها به آخرت محدود نشده است؛ بلکه روایت خبر می‌دهد که این افراد در همین دنیا نیز به گونه‌ای رسوا خواهند شد.

^۱ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص: ۲۸۲



در روایت دیگری امام صادق (ع) می‌فرمایند: «إِذَا اطَّلَعَ رَجُلٌ عَلَى قَوْمٍ يَشْرَفُ عَلَيْهِمْ أَوْ يَنْظُرُ مِنْ خَلَلِ شَيْءٍ لَهُمْ فَرَمَوْهُ فَأَصَابُوهُ فَتَقَلَّبُوا أَوْ فَتَقَوُّوا عَيْنَهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِمْ غُرْمٌ»^۱ مطابق این روایت، اگر کسی از بالای خانه یا شکاف دیوار به منزل دیگران نگاه کند و اهل خانه برای دفع او اقدام نمایند و در این اقدام باعث مرگ یا نابینایی وی شوند، ضامن نخواهند بود.

این دو روایت به خوبی نشان می‌دهند که از منظر شریعت، نقض حریم خصوصی منازل از طریق نگاه بدون اذن، رفتاری حرام و در حد جرایم سنگین تلقی می‌شود. وعده عذاب اخروی، رسوایی دنیوی و سلب حمایت قانونی از متجاوز، همگی حکایت از اهتمام شارع بر صیانت از حریم خصوصی خانواده‌ها دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی منابع دینی، شامل آیات قرآن کریم و روایات معتبر اسلامی، نشان می‌دهد که حریم خصوصی یکی از ارکان اساسی زندگی فردی و اجتماعی در اسلام است. قرآن با تاکید بر منع سوءظن، تجسس و ورود به منازل بدون اجازه، چارچوب اخلاقی و قانونی روشنی برای حفظ کرامت و امنیت روانی افراد فراهم کرده است. این آموزه‌ها نشان می‌دهند که احترام به مرزهای خصوصی، نه تنها یک مسئله فردی، بلکه پیش‌نیاز انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل و سلامت روانی جامعه به شمار می‌آید.

روایات اسلامی نیز، با صراحت و شدت، نقض حریم خصوصی را نکوهش کرده و حتی برای تجسس یا نگاه بدون اذن، مجازات‌های دنیوی و اخروی پیش‌بینی کرده‌اند. این روایات، از جمله احادیث سمره بن جندب، احادیث نظاره‌گر به منزل دیگران و توصیه‌های امامان معصوم (ع)، نشان می‌دهند که حفظ حریم منزل و اسرار فردی، به‌طور مستقیم با کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و امنیت اخلاقی جامعه پیوند دارد.

^۱ الکافی، ج ۷، ص ۲۹۱



منابع و ماخذ

۱. اسکندری، مصطفی، (۱۳۸۹). «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۵۸.
۲. قنوتی، جلیل و دیگران، (۱۳۹۳). «میان کنش قاعده لاضرر و حریم خصوصی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ش ۲.
۳. رازی، احمد بن علی معروف به جصاص، (۱۴۰۵ق). أحكام القرآن، تحقیق: سید محمدصادق قمحاوی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۴. مکارم شیرازی، ناصر بن علی محمد، (۱۴۲۱ق). الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب، چاپ اول.
۵. محمد بن حسن حلّی معروف به فخرالمحققین، (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، تحقیق: سیدحسین موسوی کرمانی و دیگران، قم، اسماعیلیان، چاپ اول.
۶. محمد باقر بن محمد تقی معروف به علامه مجلسی، (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
۷. حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی بن محمد، (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
۸. مصطفوی خمینی، سید روح الله بن مصطفی، (بی تا). تحریر الوسیله، قم، دار العلم، چاپ اول.



۹. مصطفوی، حسن بن عبد الرحیم، (۱۴۱۶ق). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۱۰. حسن بن یوسف معروف به علامه حلی، (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء، قم، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول.
۱۱. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۲۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷). "تفسیر جوامع الجامع، ترجمه احمد امیری شاد مهری، مشهد، آستان قدس رضوی. چاپ اول.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰). "مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد مفتّح و دیگران، تهران، فراهانی، چاپ اول.
۱۴. بروجردی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۶). تفسیر جامع، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ششم.
۱۵. محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی، (۱۳۹۰). تهذیب الاحکام، بیروت، دارالصعب - دارالتعارف، چاپ سوم.
۱۶. محمد بن علی معروف به شیخ صدوق، (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، قم، دار الشریف الرضی، چاپ دوم.
۱۷. محمد بن علی معروف به شیخ صدوق، (۱۴۱۴). جامع الأحکام الشرعیة، ترجمه سید عبدالاعلی بن علیرضا موسوی سبزواری، قم، مؤسسه المنار، چاپ نهم.
۱۸. علی بن حسین معروف به محقق کرکی، (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت "لاحیاء التراث، قم، چاپ دوم.



۱۹. جرجانی، حسین بن حسن، (۱۳۷۷). جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲۰. نجفی، محمدحسن بن محمد باقر، (۱۳۶۹). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق: جمعی از محققان، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ اول.
۲۱. طاهری، حبیب الله، (۱۳۹۱). حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه. چاپ اول.
۲۲. دائرة المعارف قرآن کریم، (۱۳۸۳). مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم.
۲۳. مومن سبزواری، محمدباقر بن محمد، (۱۲۴۷). ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، قم، مؤسسه آل‌البیت "لإحياء التراث"، چاپ اول.
۲۴. رازی، ابوالفتوح، (۱۳۷۵). روض الجنان، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۲۵. سجستانی، سلیمان ابن اشعث، (بی تا). سنن أبی داوود، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
۲۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۹۶۶). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، چهارم، چاپ اول.
۲۷. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، (بی تا). صحیح مسلم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
۲۸. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: مصطفی درایتی، قم، مکتب الاعلام اسلامی، چاپ اول.



۲۹. عمید، حسن، (۱۳۵۸). فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم.
۳۰. خلیل جرّ، (۱۳۸۰). فرهنگ لاروس، ترجمه: سیدحمید طیبیان، تهران، امیرکبیر، شماره یازدهم.
۳۱. کاتوزیان، امیرناصر، (۱۳۶۸). قواعد عمومی قراردادها، تهران، انتشارات به نشر.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷). الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری - محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۳۳. الفراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق). کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، قم، دارالهجره، چاپ سوم.
۳۴. علی اکبر بن باباخان معروف به دهخدا، (۱۳۴۳). لغت نامه، زیر نظر: محمد معین، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول.
۳۵. صدر، سید محمد، (۱۴۲۰ق). ماوراء الفقه، تصحیح: جعفر هادی دجیلی، بیروت، دار الأضواء، چاپ اول.
۳۶. محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی، (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح: سید محمدتقی کشفی، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم.
۳۷. فخرالدین بن محمد علی معروف به طریحی، (۱۳۹۵). مجمع البحرین، نجف، دارالثقافه، چاپ اول.
۳۸. فضل بن حسن طبرسی، (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: فضل الله طباطبائی یزدی - هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.



۳۹. اسماعیل بن عباد معروف به صاحب بن عباد، (۱۴۱۴). المحيط فی اللغة، تحقیق: محمد حسن آلیاسین، بیروت، عالم الکتاب، چاپ اول.
۴۰. حسین بن محمد تقی معروف به محدث نوری، (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول.
۴۱. احمد بن محمد مقرئ فیومی، (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، منشورات دار الرضی، چاپ اول.
۴۲. عبد الباقي، محمد فؤاد، (۱۳۶۴). المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، القاهرة، دار الکتب المصریة، چاپ اول.
۴۳. احمد بن فارس، (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الإسلامی، چاپ اول.
۴۴. حسین بن محمد معروف به راغب اصفهانی، (۱۴۰۴). المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم.
۴۵. جواد بن علی تبریزی، (۱۴۲۶). منهاج الصالحین، قم، مجمع الإمام المهدی، چاپ اول.
۴۶. وحید خراسانی، حسین، (۱۴۲۸). منهاج الصالحین، قم، مدرسه امام باقر(ع)، چاپ پنجم.
۴۷. سید ابوالقاسم بن علی اکبر موسوی خویی، (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم، بیست و هشتم، چاپ اول.
۴۸. حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق). منهاج الصالحین، قم، دفتر آیت الله سیستانی، چاپ پنجم.



۴۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود بن علی، (۱۴۲۳ق). موسوعه الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت، تحقیق و نشر: مؤسسه دائرة معارف الفقه الإسلامی، چاپ اول.
۵۰. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۶۵). میزان الحکمه، قم، دارالحديث، جلد اول، چاپ اول.
۵۱. مصطفوی خمینی، سید روح الله بن مصطفی، (۱۴۲۲ق). نجاه العباد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۵۲. تقی مدرسی، سید محمد، (۱۴۱۵ق)، الوجیز فی الفقه الإسلامی، قم، دارنشر بقیع، چاپ اول.